

حسن و قبح اخلاقی

سید احمد فاطمی تبار^{۱*}، عباس منزوی^۲

چکیده

حسن و قبح اخلاقی (ذاتی یا عقلی) دارای جایگاه ارزشمندی در علمی هم‌چون علم اخلاق است که با نفی آن اخلاق نسبی می‌شود. در این مقاله به تعریف و نقد مفاهیم حسن و قبح می‌پردازیم.

برای جمع‌آوری منابع موجود از منابع معتبر کتب اسلامی و کتب موجود در کتابخانه‌ی موزه‌ی ملی تاریخ علوم پزشکی تهران و موتورهای جست‌وجوگر سایت‌هایی مانند Yahoo، Iran Medex، Google استفاده شد.

با بررسی متون، معانی متفاوتی برای حسن و قبح به دست می‌آیند که عبارتند از: «سازگاری و ناسازگاری باطبع»، «موافقت با اغراض و مصالح»، «کمال و نقص نفسانی»، «تفسیر حسن و قبح به مدح و ذم» و «کشش‌های فطری». طبع انسانی به دو نوع حیوانی و والا قابل تقسیم است. طبع حیوانی انسان نمی‌تواند ملاک بازشناسی فعل اخلاقی باشد، ولی انسان‌ها در قلمرو تمایلات روحانی مشترک هستند. با تعریف طبع والا حسن و من علوی قابل اثبات نیست، مگر آن‌که حسن آن را بدیهی بدانیم. اغراض نیز به اغراض شخصی، اغراض نوعی و اغراض مطلوب قابل تقسیم‌اند. اغراض شخصی مایه‌ی هرج و مرج نظام اخلاقی می‌شوند. اغراض نوعی می‌توانند پشتوانه‌ی اخلاق باشند، ولی چون تحسین و تقبیح مربوط به ذات عمل نیست، نمی‌توان این نظریه را جزء حسن و قبح ذاتی شمرد، بلکه بهتر است آن را حسن و قبح عقلایی یا عقلی غیرذاتی نامید. منظور از غایت مطلوب، قرب و بعد الهی است که لازمه‌ی آن نیت است تا کمال و معنویت تحقق یابد. تعریف «کمال و نقص نفسانی» در حقیقت به همان نظریه‌ی «سازگاری با طبع والا» بازمی‌گردد. از «تفسیر حسن و قبح به مدح و ذم» که تنها وصف فعل اختیاری انسان است، تعبیرهای گوناگونی ارائه شده است که عبارتند از: «درستی مدح و ذم»، «حکم به مدح و ذم»، «شایسته‌ی مدح و ذم بودن»، «خود مدح و ذم» و «بناء عقلا بر مدح و ذم». کشش‌ها یا دوری‌جویی‌های فطری نیز به همان نظریه‌ی «سازگاری با طبع والا» بازمی‌گردند. در تعریف حسن و قبح باید ملاک‌هایی که کاربرد کلامی و تا حد امکان اخلاقی دارند، مانند سازگاری با طبع والا، انسانی، مایه‌ی کمال و نقص نفسانی، کشش‌های فطری و مصالح و اغراض نوعی مورد توجه باشند.

واژگان کلیدی: حسن و قبح عقلی، حسن و قبح ذاتی و مستقلات عقلیه

^۱ - استادیار، مرکز تحقیقات اخلاق و تاریخ پزشکی و دانشکده‌ی دندان‌پزشکی دانشگاه علوم پزشکی تهران

^۲ - استادیار پروتز دانشکده دندان‌پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی تهران

* نشانی: تهران، بولوار کشاورز، خیابان ۱۶ آذر، پلاک ۲۱، طبقه چهارم، تلفن: ۰۹۱۲۳۰۲۷۲۳۲، Email: Fatemisa@tums.ac.ir

مقدمه

مسأله‌ی حسن و قبح ذاتی و عقلی از بحث‌های مهم و ارزشمندی است که در علوم هم‌چون علم کلام، علم اخلاق و علم اصول جایگاهی ویژه دارد. این مسأله از مسائل مهم و زیر بنایی علم کلام است که می‌توان از آن در پاره‌ای از علوم مانند علم اخلاق بهره گرفت.

به‌طور کلی، اصولی که عواملی هم‌چون اختلاف محیط، تمدن و گوناگونی عادات خدشه‌ای بر آن وارد نسازند و از دوام و ثبات آن نگاهند، از حسن و قبح ذاتی اخلاقی سرچشمه می‌گیرند؛ به تعبیر دیگر، اگر یک اصل اخلاقی زیباست، همواره زیباست و اگر زشت است تا ابد زشت است. بدون اعتقاد به حسن و قبح عقلی و ذاتی ارزش‌های اخلاقی نسبی می‌شوند و اندیشه‌ی ثبات و دوام در آن خیالی بیش نخواهد بود (۱).

از منظری دیگر، حسن و قبح عقلی به‌عنوان اساس و شالوده‌ی مسأله‌ی عدل الهی به‌شمار می‌رود. از این رو، متکلمان عدلیه در مبحث عدل الهی، قبل از هر چیز به بحث درباره‌ی حسن و قبح عقلی پرداخته‌اند (۲).

علامه حلی در این باره گفته است:

«اصل و قاعده‌ای که مسأله‌ی عدل بر آن مبتنی می‌گردد، اعتقاد به حکمت الهی است، یعنی این‌که خداوند فعل ناروایی انجام نمی‌دهد و کار لازمی را ترک نمی‌کند. حسن و وجوب تکلیف، وجوب لطف و دیگر مسائل مربوط به عدل الهی بر اصل مذکور مبتنی است؛ و از آن‌جا که این اصل بر قاعده‌ی حسن و قبح عقلی استوار است، مصنف (ابن نوبخت مؤلف کتاب الیاقوت) بحث خود درباره‌ی عدل الهی را با این مسأله‌ی آغاز کرده است» (۳).

ابن ابی الحدید معتزلی در شرح نهج البلاغه توحید و عدل را دو رکن علم کلام می‌داند (۴) و مرحوم مطهری عدل الهی را به اعتبار این‌که از مسلمانات قرآن و ضروریات دین است از اصول اعتقادی می‌شمارد. عدل به لحاظ این‌که وصفی از

اوصاف کمالیه‌ی الهی است، مورد انکار هیچ فرقه و مذهبی از مذاهب اسلامی نیست (۵)، به‌خصوص اگر قائل به تلازم آن با حسن شویم (۶). اشاعره به انکار قاعده‌ی حسن و قبح عقلی معتقدند و معنای عدل را چنین می‌دانند که آن‌چه خداوند انجام دهد نیکو است. ولی امامیه و معتزله (عدلیه) براساس قاعده‌ی حسن و قبح عقلی، عدل الهی را اثبات می‌کنند و بر خلاف اشاعره، عدل را به‌عنوان اصلی از اصول مذهب قرار می‌دهند. در این مقاله با مرور مقالات و کتب اسلامی به تعریف و نقد مفاهیم حسن و قبح از دیدگاه متکلمین اسلامی می‌پردازیم تا جایگاه بحث در آینده‌ی این نظرات مشخص شود.

روش کار

برای جمع‌آوری منابع موجود از منابع معتبر کتب اسلامی نظیر کتب موجود در کتابخانه‌ی موزه‌ی ملی تاریخ علوم پزشکی تهران و موتورهای جست‌وجوگر مانند Google، Iran Medex و Yahoo استفاده شد و از کلیدواژه‌های حسن و قبح عقلی، حسن و قبح ذاتی و مستقلات عقلیه برای جمع‌آوری مقالات و اطلاعات مرتبط بهره گرفتیم. در این مجموعه، تعاریف «حسن و قبح» از دیدگاه متکلمین اسلامی جمع‌آوری و نقد گردید.

بحث

واژه شناسی

در برخی از کتب اسلامی برای «حسن و قبح» یک رشته معانی مطرح شده است. باید توجه داشت که ما در بررسی‌ها و استدلالات خود، گاهی حسن و قبح و گاهی «خوبی» و «بدی» را به کار می‌بریم. اندک تفاوتی که در معانی و خصوصیات این الفاظ است، نمی‌تواند در آن‌چه نسبت به بحث ما مؤثر است دخلی داشته باشد (۷).

نخستین گام ضروری، بازشناسی معنای حسن و قبح اخلاقی و جداسازی آن از حسن و قبح کلامی و فلسفی است. به عقیده‌ی مرحوم مظفر، حسن و قبح فقط به یک معنی

شأن قوه‌ی عاقله ادراک و تعقل است نه التذاذ و اشمئزاز، و نمی‌توانیم بدون مسامحه به آن التذاذ و اشمئزاز نسبت دهیم (۱۲).

برخی گفته‌اند ممکن است مراد مرحوم آخوند از قوه‌ی عاقله، من فطری و علوی و وجدان انسان باشد. از این رو، به حقیقت التذاذ و اشمئزاز وجود دارد (۱۳). مراد از قوه‌ی عاقله، ادراک عقلی است که هم ادراک کلیات را شامل می‌شود و هم ادراک جزئیات را. این تفسیر در اصول رایج‌تر است و انتساب التذاذ و اشمئزاز به آن، از روی مسامحه است.

نقد تعریف‌ها

۱- در تعریف طبع حیوانی مسأله سر و سامان درستی نمی‌یابد، چرا که جانداران طبع واحد و کشش معینی ندارند. مثلاً بویی در شامه‌ی حیوانی مطبوع ولی در حیوان دیگر نامطبوع است. حتی اگر «طبع ذاتی جاندار واحدی» مانند انسان باشد، باز زشتی و زیبایی ضابطه‌ی معینی پیدا نمی‌کنند؛ زیرا این ذائقه در انسان‌های مختلف متفاوت است. این تفسیر علاوه بر این که حسن و قبح را دچار نوسان می‌کند، ارتباطی به هدف طراحان بحث ندارد. زیرا هدف از طرح این مسأله، شناخت کیفیت افعال الهی و لااقل افعال انسانی بوده است که بتوان از آن به‌عنوان مبانی اخلاق و فلسفه بهره گرفت؛ و طبع حیوانی یا طبع ذاتی انسان نمی‌تواند ملاک بازشناسی فعل زیبا از نازیبا باشد تا متکلم، دانشمند اخلاقی و فقیه بتوانند از آن در علم کلام، شناخت ارزش‌ها و استنباط احکام بهره گیرند و چنین اهدافی با آن ملاک ناسازگار هستند (۱۰).

مرحوم مطهری نیز دو اشکال بر این تعریف وارد می‌دانند: الف) نسبت اخلاق - که به مقتضای آن نمی‌توان اصول جاودانه اخلاق را توجیه کرد.

ب) حسن و قبح، حکم عقل عملی است و در موجودات بدون شعور مطرح نیست.

۲- انسان‌ها با همه‌ی ناهمگونی‌ها و ناسازگاری‌ها که در قلمرو تمایلات حیوانی (طبع سفلی) دارند، در قلمرو تمایلات روحانی (طبع علوی) مشترک هستند و اختلافی ندارند (۱۱).

به کار نمی‌روند. لذا باید ابتدا معنی دقیق حسن و قبح را معین کرد (۸).

مفاهیم حسن و قبح

وقتی حسن و قبح را در آینده‌ی انظار و اندیشه‌های مختلف به تماشا می‌نشینیم، پنج معنا برای آن می‌یابیم:
الف) سازگاری و ناسازگاری باطبع:

تعریف: در این تعریف باید معنای طبع را تبیین کرد. آیا طبع گسترده‌تر از نفس است یا خیر؟ و آیا منحصر در طبع حیوانی است، یا عام‌تر از طبع حیوانی و انسانی است؟ تعبیرهای صاحب‌نظران در این زمینه گوناگون است و به نظر می‌رسد که اگر معنای طبع را گسترده‌تر از نفس و طبع انسانی بدانیم به واقع نزدیک‌تر است و اساساً مرحوم مظفر به جای واژه‌ی طبع، تعبیر (نفس) را به کار برده است (۹).

انواع طبع

بنابراین سه نوع طبع را می‌توان مطرح کرد:

۱. طبع حیوانی (طبیعت شکلی) که قدر مشترک میان تمام جانداران از جمله انسان است، لذا خوبی و بدی به انسان اختصاص پیدا نکرده، همه‌ی جانداران را دربر می‌گیرد (۱۰).

۲. طبع والا (طبیعت علوی): برخی مراد از طبع را طبع والا و روح ملکوتی انسان و من علوی انسان یا مرتبه عالی نفس دانسته‌اند (۱۱). مرحوم علامه طباطبایی در «اصول فلسفه» سازگاری با طبع فاعل را ملاک نیک بودن شمرده است که این در صورتی قابل پذیرش است که مقصود از طبع فاعل، همان طبیعت علوی و روحانی او باشد.

۳. قوه‌ی عاقله: صاحب کفایه در تفسیر حسن و قبح افعال، سازگاری و ناسازگاری با قوه‌ی عاقله را مطرح کرده است. محقق اصفهانی در بیان معنای فلسفی «قوه‌ی عاقله» گفته است:

فروریختگی آن است (۱۵). محقق اصفهانی معتقد است که سازگاری و ناسازگاری امور با معیار غرض اجتماعی و سعادت انسان سنجیده می‌شود (۱۲).

۳. غایت و کمال مطلوب: استاد مصباح یزدی نیز در تفسیر حسن و قبح، سازگاری و ناسازگاری فعل با غایت و نتیجه مطلوب را مطرح کرده و غایت و نتیجه مطلوب را به قرب و بعد الهی و کمال و سقوط معنوی تعریف کرده است (۱۶).

نقد تعریف‌ها

۱- چنین ملاکی مایه‌ی نابسامانی و هرج و مرج نظام اخلاقی می‌شود زیرا منافع افراد، متفاوت و گاهی کاملاً مخالف یکدیگر است. از طرفی نتیجه‌ی آن، نسبت و بی‌ثباتی اخلاق است. از طرف دیگر، تنوع سلیقه‌ها و ناسازگاری سود و مصلحت افراد با یکدیگر منجر به عقلانی بودن یا نبودن حسن و قبح و لذا هرج و مرج اخلاقی می‌شود (۱۰).

مرحوم محقق اصفهانی نیز به این نکته در مباحث حسن و قبح توجه داده است (۱۲).

اشکال دیگر وارد به این تعریف آن است که این معنی کاربرد کلامی و فلسفی نداشته، در این حوزه‌ها قابل استناد نیست (۹).

۲- مرحوم علامه طباطبایی در تأیید این نظر می‌نویسد: «عدل همیشه نیک و ظلم پیوسته ناپسند است، زیرا که عدل همیشه هماهنگ با اهداف اجتماعی و ظلم پیوسته ناهماهنگ و ناسازگار با آن است.» ایشان معتقد است که انسان داوری خود را درباره‌ی محسوسات، به معانی اعتباری و عناوین اجتماعی سرایت می‌دهد و چیزی را که با اغراض اجتماعی و سعادت بیشتر افراد بشر مناسب است، حسن، و آنچه را با آن منافات دارد، قبیح می‌شمارد (۱۵). طرح مسأله‌ی حسن و قبح از دیدگاه مصالح و مفاسد، نوعی کاربرد اخلاقی دارد و می‌تواند پشتوانه‌ی اخلاق باشد، ولی چون تحسین و تقبیح مربوط به ذات عمل نیست، نمی‌توان این نظریه را جزء حسن

همه‌ی افراد بشر عدل و داد، امانت‌داری، وفای به پیمان و سپاسگزاری از ولی نعمت را می‌ستایند و در مقابل، ستم، خیانت، پیمان‌شکنی و ناسپاسی را نکوهش می‌کنند. باید توجه داشت که این نظریه، نمی‌تواند حسن و من علوی را ثابت کند، مگر آن‌که حسن آن را بدیهی بدانیم.

۳- براساس این نظریه، ارتباط و پیوستگی اخلاق با مصالح و مفاسد زندگی انسان از هم گسیخته می‌گردد، زیرا به افعال اخلاقی از جنبه‌ی مصالح زندگی نگریسته نمی‌شود. (ب) موافقت با اغراض و مصالح:

گاهی از سازگاری و ناسازگاری هدف با عنوان مصلحت و مفسده یاد می‌شود و این معنی، وصف افعال و صفات قرار می‌گیرد. اگر حسن و قبح را به این معنی بدانیم، این پرسش پدید می‌آید که سنجش سازگاری و ناسازگاری با هدف و غرض چه کسی صورت می‌گیرد؛ هدف فاعل یا نوع انسان‌ها؟ (۹)

سیالکوتی در حاشیه‌ی خود بر (المواقف) می‌نویسد: «نظریه‌ای که یاد کردیم، بیانگر این است که منظور از هدف و غرض، هدف و غرض فاعل است نه دیگران.» (۱۴) محقق اصفهانی معتقد است که سازگاری و ناسازگاری امور، با معیار غرض اجتماعی و سعادت انسان سنجیده می‌شود (۱۲).

شکی نیست هر فعلی که با اغراض و مصالح فاعل وفق یابد و حامی اهداف او باشد، در نظر فاعل زیبا تجلی می‌کند و در مقابل افعالی که در جهت مخالف مصالح او قرار گیرند نازیبا انگاشته می‌شوند.

انواع اغراض

موافقت با اغراض بسان سازگاری و یا ناسازگاری می‌تواند به صورت‌های زیر مطرح باشد:

۱. اغراض و مصالح شخصی
۲. اغراض و مصالح نوعی که حافظ بقای نوع و بازگشت سعادت به جامعه‌ی بشری است؛ نظیر عدل که مایه‌ی بقای نظام و ظلم که موجب

ه: بناء عقلا بر مدح و ذم (نظریه‌ی ابوعلی سینا که مورد توجه مرحوم اصفهانی نیز بوده است) (۱۳).

نقد تعریف: محقق سبزواری پس از نقل معانی رایج حسن و قبح، آن‌ها را درحوزه‌ی افعال اختیاری انسان و حوزه‌ی اخلاق، به یک معنی بازگردانده و آن معنی را متعلق به مدح و ذم می‌داند (۱۸).

مرحوم مظفر در اصول الفقه معنای سوم حسن و قبح را به نقل از بحث مشهورات کتاب «المنطق» چنین ذکر می‌کند که: «ثالثاً، آن دو را به معنی مدح و ذم به کار می‌برند. به این معنا، فقط وصف افعال اختیاری واقع می‌شوند. یعنی خوب آن فعلی است که فاعل آن نزد عقلا شایسته‌ی ستایش و پاداش می‌شود و بد، آن فعلی است که فاعل آن نزد همه‌ی عقلا، سزاوار نکوهش می‌شود. این معنا، همان معنای مورد اختلاف است. در این مورد، اشاعره منکر شده‌اند که عقل - صرف نظر از شرع - درکی از آن داشته باشد، اما عدلیه با آن‌ها مخالفت کرده و برای عقل در این حد بهره‌ای از ادراک قائل شده‌اند.» (۱۹)

ه) کشش‌های فطری:

تعریف: در وجدان هر انسان یک رشته کارها ستوده یا ناستوده است؛ فاعل آن هرکس باشد، عالم باشد یا جاهل، مسلمان باشد یا کافر، شرقی باشد یا غربی، مادی باشد یا مجرد. از این نظر، عدالت در نظر هرکس و در هر زمان و مکان، خوب و زیبا است، هم‌چنان‌که ستم به این شکل، ناستوده و نازیبا و زشت است؛ و همه‌ی انسان‌ها در این قضاوت و داوری یکسانند.

نقد تعریف: یک چنین حکم همگانی، ثابت و دائم و پیوسته، باید ریشه در جوهری وجود و آفرینش انسان داشته و با هستی او آمیخته و خمیره شده باشد (فطرت). این ملاک هرچند که می‌تواند مایه‌ی حسن و قبح ذاتی و پشتوانه‌ی اخلاقی جاویدان و فلسفه آن شمرده شود، باید یادآور شد که این کشش‌ها یا دوری‌جویی‌های فطری، از نظریه‌ی نخست

و قبح ذاتی شمرده، بلکه بهتر است آن را حسن و قبح عقلایی یا عقلی غیرذاتی نامید (۱۲).

۳- لازمه‌ی این تعریف نیت است، زیرا کمال و معنویت بدون آن تحقق پیدا نمی‌کند و همین امر تفاوت احکام اخلاقی از حقوقی و رفتار اخلاقی را سبب می‌شود (۹).

ج) کمال و نقص نفسانی

تعریف: پاره‌ای از صفات، مایه‌ی کمال و پاره‌ای دیگر نقطه‌ی مقابل آن هستند. مثلاً دانایی و دلیری از صفات برجسته‌ی انسانی و نادانی و زبونی از صفات ناپسند اوست. انسان اوصاف کمال را دوست داشته، از صفات مخالف آن گریزان است. حسن و قبح به این معنی هم وصف انسان است. همانند علم و جهل و شجاعت و ترس و هم وصف صفات فعل انسان مانند حسن دانش آموختن (۱۰). صدرالمتألمین در تعریف کمال می‌گوید: «کمال آن چیزی است که چیزی با آن تمام خواهد بود، یا از نظر ماهیت که کمال اول است (مثل حیوانیت یا ناطقیت انسان) یا از نظر صفت، که کمال دوم است (مانند شجاعت در انسان).» (۱۷)

نقد تعریف: این نظریه اگر درست بیان و نوسازی شود، به همان نظریه‌ی «سازگاری با طبع» بازمی‌گردد، چرا که میل به کمال و گریز از ضد آن، بخشی از بعد روحی انسان است که ملاک جدایی زیبا از نازیبا است، با این تفاوت که نظریه‌ی «سازگاری با طبع» گسترده‌تر از این ملاک است و میل به کمال و گریز از نقص، بخشی از روحيات و کشش‌های فطری و طبیعی او را تشکیل می‌دهد (۱۰).

د) تفسیر حسن و قبح به مدح و ذم

تعریف: از این تفسیر که تنها وصف فعل اختیاری انسان است، تعبیرهای گوناگونی ارائه شده است، بدین قرار:

الف: درستی مدح و ذم

ب: حکم به مدح و ذم

ج: شایسته‌ی مدح و ذم بودن (نظریه‌ی مرحوم اصفهانی)

د: خود مدح و ذم

جدا نیست و در حقیقت هر دو به یک اصل بازگشت می‌کنند و اختلاف آن‌ها فقط در تعبیر عبارت است (۱۰).

نتیجه

در تعیین حسن و قبح باید ملاک‌هایی که کاربرد کلامی و لااقل اخلاقی دارند، مانند سازگاری با طبع والای انسانی، مایه‌ی کمال و نقص نفسانی، کشش‌های فطری و مصالح و اغراض نوعی که کاربرد کلامی ندارند، ولی می‌توانند از نظر عقلی مورد بحث قرار گرفته و پشتوانه‌ی اخلاق قرار گیرند، مورد توجه باشند. برخی از این نظریه‌ها، در قلمرو بحث نبوده و برخی دیگر به یکدیگر بازگشت می‌کنند. مثلاً سازگاری و ناسازگاری با ذات انسان یا عواطف و احساسات انسانی از قلمرو بحث بیرونند. در واقع، همه‌ی تعاریف حسن و قبح را می‌توان به سه تعریف مشهور، یعنی کمال و نقص نفسانی، سازگاری و ناسازگاری با طبع انسانی و مدح و ذم برگرداند.

منابع

۱. صدیقی ن. حسن و قبح عقلی، (۱۳۸۷).
URL: <http://w3.balagh.net/Persian/akhlaq/falsafeh/06/02.htm>.
۲. ربانی گلپایگانی ع. حسن و قبح عقلی، (۱۳۸۷).
URL: http://w3.qomicis.com/farsi/Library/kalam_tatbigi/hosngobh.htm, 2008.
۳. علامه حلی. انوار ملکوت فی شرح الیقوت. تعلیق محمد نجفی. تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۳۸ ق، صفحه ۱۰۵.
۴. ابن ابی الحدید. شرح نهج البلاغه. بیروت: داراحیاء التراث العربی، ۱۴۰۲ق؛ جلد ۲۰، صفحه ۱۰۲.
۵. مطهری م. آشنایی با علوم اسلامی. تهران: انتشارات صدرا، ۱۳۶۳؛ جلد ۲، صفحه ۳۲-۳۶.
۶. طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن. تهران: دارالکتب اسلامیة، ۱۳۹۴ ق؛ جلد ۱۲، صفحه ۳۳۱.
۷. لاهیجی ع ر، گوهر مراد. تهران: چاپ افست، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۷؛ صفحه ۲۴۴.
۸. مظفر م. اصول فقه. ترجمه‌ی: غرویان م. قم: انتشارات دار الفکر، ۱۳۸۴؛ جلد ۱، صفحه ۳۷۷.
۹. عنایتی راد م ج. حسن و قبح از منظر وحی، (۱۳۸۷).
URL: <http://w3.balagh.net/persian/akhlaq/falsafeh/06/05.htm>.
۱۰. سبحانی ج. حسن و قبح عقلی. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۸؛ صفحه ۳۲.

۱۱. مطهری م. نقدی بر مارکسیسم. تهران: انتشارات صدرا، ۱۳۶۳؛ صفحه ۲۰۰-۱۹۴.
۱۲. غروی اصفهانی م ح. نهاییه الدرایه. قم: انتشارات سیدالشهداء؛ جلد ۲، صفحه ۱۲۵.
۱۳. لاریجانی ص. جزوه فلسفه اخلاق. تهران: انتشارات تربیت مدرس؛ صفحه ۸۲.
۱۴. جرجانی. شرح المواقف. بیروت: دارالکتاب العلمیه، ۱۹۹۸ م؛ جلد ۸، صفحه ۱۸۴.
۱۵. طباطبایی م ح، المیزان فی تفسیر القرآن. تهران: دارالکتاب الاسلامیه، ۱۳۹۴ ق؛ جلد ۵، صفحه ۹.
۱۶. مصباح یزدی م ت. دروس اخلاق، صفحه ۳۹.
۱۷. مدرسی م. فلسفه اخلاق. تهران: انتشارات سروش ۱۳۷۶؛ صفحه ۶۰.
۱۸. جوادی م. مسأله باید و هست، بحثی در رابطه ارزش و واقع. قم: مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی ۱۳۷۵؛ صفحه ۸۲ و ۸۱.
۱۹. مظفر م. اصول فقه. ترجمه غرویان م. قم: انتشارات دار الفکر ۱۳۸۴؛ جلد ۱، صفحه ۳۸۳.

This document was created with Win2PDF available at <http://www.daneprairie.com>.
The unregistered version of Win2PDF is for evaluation or non-commercial use only.